

بررسی و تحلیل وضعیت شیعیان در جمهوری آذربایجان

۱ ، :: ،
۴ - ، :: ،

چکیده:

ساختار مذهبی جمهوری آذربایجان و نوع نگاه مردم و نخبگان این کشور به اسلام، به ویژه آیین تشیع، محصول یک فرایند تاریخی بسیار پر فراز و نشیب است که بدون مطالعه و بررسی آن امکان درک صحیح و واقع بینانه از تحولات مذهبی و سیاسی جامعه کنونی جمهوری آذربایجان غیر ممکن است. در واقع شکل گیری و فعالیت احزاب اسلام گرا در بستر همین محصول تاریخی صورت پذیرفته است و از این رو بررسی سیر تحول اسلام در جمهوری آذربایجان می تواند به درک بهتر فضای سیاسی و مذهبی حاکم بر فعالیت های اسلام گرایان در این کشور برسد و همچنین نوع دیدگاه و رویکرد جریان های اسلام گرای آذربایجان به مقولاتی چون دین اسلام، آیین تشیع، نحوه تعامل و یا تقابل با نظام سیاسی حاکم، اهداف و آرمان ها و نیز نوع نگاه آنان به ایران به عنوان بزرگترین کشور شیعی جهان اسلام کمک شایانی نماید.

واژگان کلیدی: جمهوری آذربایجان، شیعیان، جمهوری اسلامی ایران، دین اسلام، سیاست خارجی، تشیع.

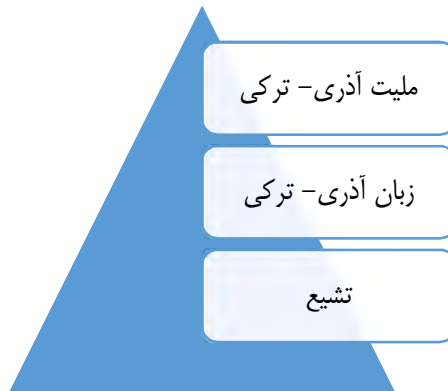
-
۱. دکترای علوم سیاسی، پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص) جامعه المصطفی (ص) العالمیه، مدرس دانشگاه. ت. دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲ ت. تصویب: ۱۳۹۴/۳/۱۵
 ۲. دکتری تاریخ ایران دانشگاه شیراز، محقق و پژوهشگر رسانه و سیاست بین الملل.

هویت ملی و قومیتی شیعیان:

در اوایل قرن بیستم روشنفکران سکولار آذری کوشیدند تا از راه فعالیت سیاسی، آموزش و آثار مکتوب خود نوعی اجتماع ملی در این منطقه پدید آورند. آرمان‌هایی همچون مردم‌گرایی، ترک‌گرایی و دموکراسی در این دوره رواج بسیاری یافته بود. فرهنگ مردم جمهوری آذربایجان بنا به موقعیت جغرافیایی و میراث تاریخی متأثر از فرهنگ‌های مختلف منطقه قفقاز و خاورمیانه از جمله فرهنگ‌های ایرانی، ترکی، روسی و اسلامی است. امروزه فرهنگ غربی با شدت بسیار رایج می‌گردد. به جز اکثریت آذربایجانی مردم ملت‌های متفاوتی مانند ارمنی‌ها، کردها و تالشی‌ها در جنوب و شرق و لزگی‌ها و یهودی‌ها و تات‌ها در شمال به گوناگونی زبان‌ها و فرهنگ رایج در این کشور افزوده‌اند. ایجاد هویت ملی آذری در واکنش به رژیم استعماری و بهره‌کشی بر اساس مفاهیم نژادی، عناصری را از هر دوی سنت‌های اسلامی و غیر اسلامی، همچنین آرمان‌های غربی همچون لیبرالیسم و ناسیونالیسم در بر گرفته است. همچنین مفهوم هویت ملی آذری در دوره شوروی ترویج داده می‌شد. میراث فرهنگی نوشتاری یا مکتوب و بسیاری از چهره‌های تاریخی در عرصه‌های هنر و سیاست به تقویت و تایید تلاش برای ایجاد یک ملیت مستقل در پایان عمر رژیم شوروی پرداختند. احساسات ناسیونالیستی بر ضد حاکمیت شوروی در دوره زوال حاکمیت شوروی که احساسات ضد ارمنی بر شدت آن می‌افزود به مهم‌ترین نیروی برانگیزاننده جنبش‌های مردمی بازسازی ملی تبدیل شد.^۱

لذا مهم‌ترین بحثی که در زمینه هویت ملی آذربایجان مطرح می‌شود، ملیت، دین و زبان مردم این کشور است که هویت ملی مردم جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد.

۱. امیر احمدیان، بهرام، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰ الی ۳۳۷. و همچنین می‌توانید بنگرید به بیات کاوه، آذربایجان در موج خیز تاریخ، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۹، ص ۶ الی ۱۵.



دین در جمهوری آذربایجان:

جامعه جمهوری آذربایجان همان گونه که محل زیست اقوام مختلفی است، محل زندگی پیروان ادیان، مذاهب و آیین‌های متعدد نیز به شمار می‌رود، سه دین بزرگ بشریت یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت و آیین‌های به جامانده از آذربایجان باستان در جامعه امروز جریان دارند و بافت و خیزهایی به حیات خود ادامه می‌دهند.^۱ طبق آخرین آمارهای منتشر شده در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۹۷ درصد از کل جمعیت مسلمان هستند (۸۳ درصد شیعه و ۱۴ درصد سنی و ۳ درصد غیر مسلمان). مسیحیان (اورتودوکس روسی و آپوستولیک ارمنی) دومین گروه بزرگ دینی را تشکیل می‌دهند و دیگر گروهها در تعدادی اندک مانند مولوکان ها^۲، بهایی ها^۳، و کریشنایی ها^۴ وجود دارند. تا همین تازگی اسلام یک نظام فرهنگی غالب بود که فعالیت‌های سازمان یافته کمی را در بر می‌گرفت. مراسم سوگواری پایدارترین آیین‌های مذهبی در طی دوره سوسیالیستی به شمار می‌رفتند. توجه به اعتقادات دینی مردم و مطالبات آنها از دولت ملی از یک سو، بیم و واهمه

۱. واحدی الیاس، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶، ص ۷۸

۲! 5# (#, '&)

۳! '>'3 '?+)

۴! @ (%))3&)

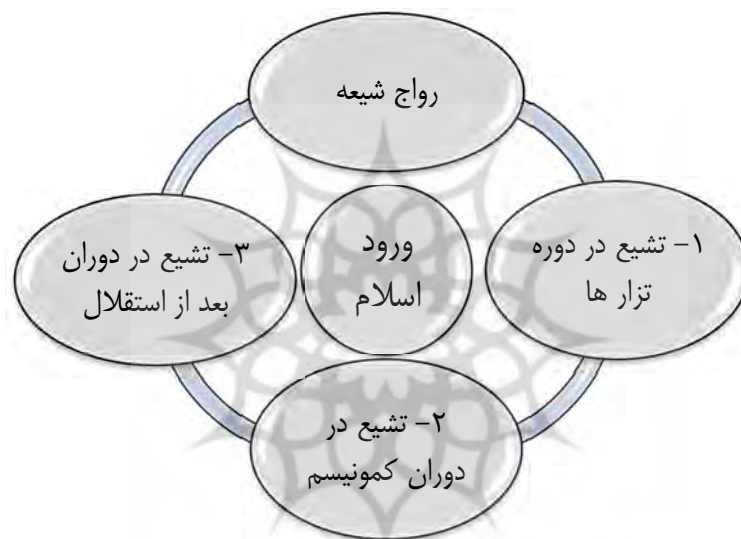
حاکمیت از اوج گیری باورهای دینی و رسیدن عنصر دین در جامعه به حالت غیر قابل کنترل توسط دولت از سوی دیگر، حاکمیت ملی تازه تاسیس آذربایجان را برآن داشت تا به این رکن مهم جامعه بپردازد.^۱ در این راه در سال ۱۹۹۲ یعنی یک سال بعد از استقلال کشور، دولت وقت آذربایجان در اقدامی شتاب زده قانونی را با نام قانون آزادی‌های دینی، به تصویب رساند و با توجه به این شتابزدگی، چند سال بعد آن را اصلاح و مواردی را به آن اضافه نمود. در این خصوص برخی از تحلیل‌گران بر این باور هستند که این اصلاحات به نوعی منفعلانه بوده است.

اداره روحانیت مسلمانان قفقاز که از سال ۱۹۸۰ در باکو و به رهبری شیخ‌الاسلام الله‌شکور پاشازاده رهبری می‌شود، قدیمی‌ترین نهاد دینی آذربایجان و منطقه محسوب می‌شود. فلسفه وجودی این اداره که در دوره تزارهای روس بنای اصلی آن نهاده شد، کنترل گرایش‌های دینی مسلمانان و دولتی و حکومتی کردن دین اسلام توسط روس‌ها بود و در دوره اتحاد جماهیر شوروی نیز به رغم ماهیت الحادی نظام کمونیستی، این اداره پابرجا بود. مقامات دینی و مسوولان اداره روحانیت با وجود همکاری و هماهنگی مداوم با حکومت در مواقعی که کنترل‌های دولتی کم شده، رفتارهای مستقل و مبتنی بر احیاء دینی از خود بروز داده‌اند. این رویکرد چه در دوران قبل از استقلال آذربایجان و چه بعد از آن به چشم می‌خورد. اداره روحانیت در سال‌های ابتدایی بعد از استقلال کشور فعالیت‌های دینی خود را گسترش داد و روزنامه سلام را منتشر کرد که بعد از اندک زمانی انتشار آن متوقف شد.

بندهای ۲، ۳، ۴ اصل ۴۸ قانون اساسی جمهوری آذربایجان که به موضوع دین اختصاص یافته است سیاست دولت آذربایجان در قبال مذهب بیش از ۸۰ درصد مردم آذربایجان را به خوبی نشان می‌دهد

۱. رضانی یونش فرزاد، گفتگو افشار سلیمانی، سفیر سابق ایران در آذربایجان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تیر ۱۳۹۱، همچنین برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کیهان فر، عباس، نگاهی به جمهوری مسلمان نشین آذربایجان، تهران، مجله مشکات، زمستان ۱۳۷۲، شماره ۴۱.

پیش از ورود اسلام به نواحی شمالی رود ارس در قرن هفتم، این منطقه به دلیل نامتجانس بودن بافت نژادی، محل برخورد و صحنه رقابت ادیان گوناگون بود و مذاهب الهی و غیر الهی منطقه از جمله آتش پرستی، زرتشتی گری، بت پرستی، مزدکیسم، شمنیزم، یهودیت و مسیحیت در آن فعالیت می کردند.^۱ کلیسای نسطوری نیز که نماینده اندیشه دیوفیزیتی بود، طرفداران فراوانی در منطقه داشت و مقاومت زیادی در مقابل گسترش اسلام از خود نشان می داد.^۲



۱- ورود اسلام:

دین اسلام در قرن هفتم میلادی توسط اعراب به سرزمین های ایرانی آن سوی ارس نفوذ کرد و به تدریج، جایگزین دین مسیحیت شد. پیشروی مسلمانان در قفقاز، از

۱. جباری ولی، با همکاری محمود تقی زاده داوری، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم: موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۹، ص ۲۶، همچنین بنگرید به افندی، تاریخ آذربایجان، ترجمه نصرله اسحق بیات، تبریز انتشارات ارک، ۱۳۶۰، ص ۱۰ الی ۳۰

۲. همان، بنگرید به خبرگزاری آران، سال سوم، شماره ۶؛ تحولات اجتماعی- فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی، ۱۳۹۰، ص ۹۰.

آذربایجان ایران شروع شد. در سال ۶۴۲ میلادی، مردم دربند با اسلام آشنا شدند و دین اسلام اندکی پس از آشنایی مردم آذربایجان با آن، به صورت دین اصلی آنها درآمد و به عنوان دین مسلط تا امروز تداوم یافته و از زمان ظهور صفویان در این منطقه رشد و گسترش پیدا کرده است.^۱

۲- رواج تشیع:

ظهور دولت صفوی موجب رسمیت یافتن تشیع و احیای هویت و وحدت مناطق گوناگون ایران گردید. رواج و تداوم تشیع در جمهوری آذربایجان را می‌توان در سه دوره متفاوت بررسی کرد:

- دوره اول: از زمان ظهور صفویه و رسمیت تشیع تا زمان اشغال این مناطق توسط روسیه تزاری؛
- دوره دوم: از زمان اشغال این کشور تا فروپاشی اتحاد شوروی؛
- دوره سوم: نیز از زمان استقلال تا عصر حاضر را شامل می‌شود.^۲

۳- اسلام و تشیع در دوره تزارها:

پس از شکست ایران در نبرد با امپراتوری روسیه و امضای معاهدات ننگین گلستان و ترکمان چای، مناطق شمالی ارس به اشغال امپراتوری روسیه درآمد. روابط روسیه تزاری با اسلام و مسلمانان تا حد چشمگیری به وسیله نقطه نظرات کلیسای پرو-اسلاو تعیین می‌گردید. مسیونرهای مسیحی پرو-اسلاو عموماً در مناطقی که اسلام ضعیف بود و مسلمانان با مسیحیان درآمیخته بودند، فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند. در این دوره تزارها با هدف نظارت و کنترل مسایل دینی و نیز قطع رابطه مسلمانان با حوزه‌های دینی ایران و عراق و نیز مراجع تقلید، به تاسیس اداره روحانیان و تربیت طلاب وابسته به خود پرداختند. روسیه تزاری نیز برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان، به تحریک و

۱. جعفریان رسول، اطلس شیعه، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی، چاپ دوم ۱۳۸۸، ص ۶۴۲ و ۶۴۳.

۲. رضایی محمد، تاریخ تشیع در آذربایجان، قم، موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۵، ص ۷۶ و یا جعفریان رسول، اطلس شیعه، ص ۶۴۲.

تفرقه بین ایشان می‌پرداخت و به منظور استحاله فرهنگی مردم در فرهنگ روسی، به تاسیس مدارس روسی و اعطای زمین، رتبه نظامی، نشان، حقوق بازنشستگی به علما برای جلب حمایت آنان اقدام می‌نمود. در اواخر دوره تزار، جمهوری آذربایجان تحت تاثیر روشنفکران مسلمان به سمت سکولاریستی شدن پیش رفت. در فاصله بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ میلادی افرادی ظهور کردند که در مجلات و جراید محلی برخی از مراسم‌های شیعی مانند برپایی مراسم عاشورا و برخی سنت‌های قدیمی و مذهبی را مورد انتقاد قرار می‌دادند. در مقابل این تحرکات، علمای دینی با نوشتن برخی مطالب سعی می‌کردند عدم مخالفت دین با علم را نشان دهند.^۱

۴- تشیع در دوران کمونیسم:

با سقوط تزاریسم، به مدت هفتاد سال کمونیسم بر مناطق مسلمان نشین به ویژه آذربایجان، سایه افکند و به اجبار دین و مذهب برای مدتی از صحنه عمومی جامعه کنار رفت.^۲ در این دوره حکومت شوروی سابق برای جلوگیری از تجمع مردم برای انجام اعمال دینی، به ویران کردن مساجد پرداخت. در جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۳۰ میلادی بیشتر مساجد تعطیل شدند و یا کاربری آن‌ها تغییر داده شد و با قطع ارتباط مناطق مسلمان نشین با سایر ملت‌های مسلمان و ایجاد نفاق و اختلاف بین شیعه و سنی، به پیشبرد اندیشه دین افیون ملت‌ها، و ترویج آن پرداختند. در جنگ جهانی دوم، موقتا حکام وقت دست از برنامه‌های خود برداشتند اما با پایان یافتن جنگ، اعمال محدودیت‌ها دوباره آغاز شد و تا سال ۱۹۶۰ میلادی تمام فعالیت‌های مذهبی و انجام واجبات دینی به صورت مخفیانه انجام می‌شد. در این سال‌ها به بعد سیاست شوروی مبتنی بر نوعی تسامح بود تا از اسلام به نفع دولت بهره ببرد. از سیاست‌های دیگر ایشان در آذربایجان برای قطع پیوندهای دینی و تاریخی مردم با گذشته اسلامی و ایرانی، بر هم زدن ترکیب قومی و مذهبی منطقه با اسکان آرامنه و روس‌ها بود. در

۱. جباری ولی، با همکاری محمود تقی زاده داوری، پیشین، ص ۲۸ و ۲۹

۲. سویتو خوفسکی تادیوش، آذربایجان روسیه، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر شادگان، ۱۳۸۱، ص ۸۴ الی ۹۳

برخورد با تشیع، از جانب کمونیسم‌ها دو نوع رفتار مشهود بود: از یک سو مانند سایر مذاهب، تشیع نیز از صحنه اجتماعی بیرون راده شد و به امری خصوصی در منازل تبدیل گردید و با تعطیلی مساجد، مراسم‌های شیعی مانند عزاداری عاشورا نیز ممنوع شد. از دیگر سو، نفوذ مذهب در زندگی خصوصی افراد افزایش یافت، حتی در برخی محله‌ها به آموزش دینی محدود برای کودکان اقدام می‌شد. تداوم تشیع در آذربایجان در عصر استیلای کمونیسم را باید در ادامه برخی سنت‌ها جست و جو کرد مسائلی مانند تدفین و اعمال و مراسم مربوط به آن، ختنه، ازدواج و آداب و رسوم مربوط به آن و... در بقای ظاهری تشیع در این کشور دارای نقش بود.^۱

۵- تشیع در دوران بعد از استقلال:

گسستن از حکومت مسکو برای جمهوری آذربایجان همانند سایر ملل مسلمان جماهیر شوروی یک نقطه عطف برای برقراری روابط با جهان اسلام بود. این تجدید حیات اسلامی در سراسر کشور مسئله‌ای تابع از تأثیراتی بود که از ایران، ترکیه و برخی از کشورهای عربی در داخل کشور ایجاد می‌شد. پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ میلادی، دین به تدریج، به عرصه زندگی اجتماعی مردم بازگشت و با آن که بسیاری از مقامات این کشور از افراد بازمانده دوره حکومت شوروی سابق بودند و خط و مشی بی دینی و ملی‌گرایی را در پیش گرفتند، ولی در کنار آن، بنا به دلایل گوناگون، سعی کردند از مشروعیت و مقبولیت اسلام در چارچوب خاص خود استفاده نمایند. مردم این کشور به صورت اسمی مسلمان و شیعه بودند، با این حال عاملان شریعت به ندرت در میان آنها مشاهده می‌شدند. با این وجود نیز دین و مذهب در خاطره مردم به روش‌های گوناگون حفظ شده بود، چنان که در حرکات استقلال خواهانه مردم این کشور، شعارهای اسلامی مطرح گردید و در بقای دین در جمهوری آذربایجان، علاوه بر تاییدات غیبی، باید از تلاش‌های شیعیان و مومنان و نقش

مراسم‌های مذهبی مرسوم و سنتی شیعیان مانند عزاداری ها، سفره‌های احسان، سفره‌های منتسب به ائمه اطهار علیهم السلام و... نام برد.^۱

عوامل تاثیر گذار بر ویژگی و مختصات جریان‌های اسلام‌گرای شیعی آذربایجان:

۱- فرهنگ سیاسی سکولار:

این فرهنگ که در دوران تسلط هفتاد ساله کمونیست‌ها بر آذربایجان تحمیل شده است، تاثیر منفی در حوزه تسری فرهنگ اسلامی در این کشور دارد. پس از فروپاشی شوروی نیز دولت جمهوری آذربایجان، فرهنگ سیاسی سکولار را در قالب نظام جدید سیاسی (لیبرال دموکراسی) تداوم بخشید و همین امر بر نحوه فعالیت جریان‌های اسلام‌گرای این کشور تاثیر قابل توجهی را بر جای گذاشته است.^۲ در تشدید این شرایط عوامل مختلفی دخیل و موثر هستند، یکی از آنها نقش شبکه‌های تلویزیونی غربگرا مانند آینس، آ تی وی و... می‌باشد که با تشدید فرهنگ برهنگی و ضد اخلاقی در جامعه، مجریان سیاست ترویج فرهنگ سیاسی و اجتماعی سکولار در جمهوری آذربایجان را همراهی می‌کنند.

۲- گفتمان مسلط ناسیونالیسم آذری

ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) در کشورها عموماً به یکی از دو شکل ملی‌گرایی مدنی یا ملی‌گرایی قومی انجام می‌گیرد. ملی‌گرایی نوع اول ارزش‌های مشترک بین تمام اقوام ساکن کشورها را مد نظر قرار دارد و از هویت تمام اقوام حمایت می‌کند، ولی ملی‌گرایی قومی، حاکمیت را در دست یک قوم متمرکز می‌سازد و سایر اقوام را در موقعیت پایین‌تری قرار می‌دهد. در جمهوری آذربایجان، ناسیونالیسم آذری گفتمان

۱. همان، ص ۳۲.

۲. اشرافی مرتضی، تعامل و یا سلطه روسیه بر تاریخ سیاسی جمهوری آذربایجان، پایگاه سیاسی اجتماعی کریمه اهل بیت (س)، به ادرس اینترنتی: [http://www.krimeteh.com/ID%t*73! , #*](#) تاریخ دسترسی، ۳۰ مهرماه ۱۳۹۳.

غالب و مورد حمایت دولت و اکثریت ملت جمهوری آذربایجان است. در این گفتمان چندان به مباحث مذهبی توجه نمی‌شود. دین اسلام به عنوان بخشی از هویت ترکی - آذری مورد تفسیر قرار می‌گیرد.^۱

۳- بحران قره باغ:

وضعیت حاکم بر منطقه قره باغ، در کارکرد جریان‌های اسلام‌گرا نقشی دوگانه دارد: از یک سو، ملت مسلمان آذربایجان، حمایت‌های دنیای مسیحی و در راس آن روسیه، آمریکا و فرانسه از مواضع ارمنستان را درک می‌کند. این عامل باعث تقویت مواضع جریان‌های اسلامی می‌شود که راهبرد ضد آمریکایی دارند. از سوی دیگر، روابط جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان و انتقادهای تبلیغ‌هایی که جامعه آذری به خصوص بخش سکولار جامعه به این روابط دارد، مواضع و موقعیت جریان‌های اسلام‌گرای شیعی را دچار چالش می‌سازد. به عبارت دیگر روابط رو به رشد جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان و عدم حمایت قاطع از باکو در قضیه قره باغ توسط ایران، آشکارترین و شایع‌ترین دلیل بر تأثیرات عمیق این مسئله نسبت به جریان‌های شیعی آذربایجان باشد.^۲ در این بین علیرغم صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با تأمین حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و وجود اسناد و تصمیمات شورای امنیت و همکاری اروپا و اتحادیه اروپا، ارمنستان تاکنون از سیاست اشغال‌گرانه خود دست نکشیده و جامعه بین‌الملل این مسئله را نادیده می‌گیرد.^۳

۱. برآورد پویایی محیط سیاسی جنبش اسلامی آذربایجان، سایت خبری تحلیلی حقایق قفقاز، منتشر شده در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۹۳ به آدرس اینترنتی:

3//ABC'OE';! +%CO

۲. رضانی بونش فرزاد، گفتگو افشار سلیمانی، سفیر سابق ایران در آذربایجان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تیر ۱۳۹۱، همچنین برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به عبدالواحد بهراد، قره باغ در چشم انداز تاریخ، تبریز، انتشارات ارک، ۱۳۷۲، ص ۳۴ تا ۴۰

۳. رضانی بونش فرزاد، گفتگو با جوانشیر آخوندوف سفیر آذربایجان در ایران، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، آذرماه ۱۳۹۱.

۴- نوع روابط با جمهوری اسلامی ایران

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بین شیعیان جمهوری آذربایجان قابل توجه است. شکل‌گیری جریان‌های اسلام‌گرای شیعی مستقیماً متأثر از فضای انقلاب اسلامی بوده است. به همین علت، ایران به حمایت جدی از جریان‌های اسلام‌گرا پرداخته است و از طرفی آنها هم ارتباط خود را با جمهوری اسلامی ایران پنهان نکرده‌اند. نوع روابط ایران با جریان‌های اسلامی شیعی تقریباً کارکرد و پیامی دوگانه دارد: حمایت ایران از جریان‌های اسلام‌گرا باعث تقویت آنها می‌شود، در عین حال، این روابط باعث شده است جریان‌های اسلام‌گرا بیشتر تحت فشار حاکمیت و افکار عمومی قرار گیرند و جریانی غیر بومی تلقی شوند.

۴-۱- مولفه‌های خصومت‌زا در روابط تهران - باکو

الف! نزدیکی رژیم صهیونیستی به آذربایجان:

اولویت رژیم صهیونیستی در نزدیکی به آذربایجان در دهه اخیر، به خاطر ایران بوده است. این رژیم به دلیل در اختیار نداشتن فضای حیاتی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی‌اش و عدم عمق استراتژیک در مقابله با حملات احتمالی، مجبور شده است که از ظرفیت جمهوری آذربایجان در مقابل ایران برای بهره‌برداری از اهداف امنیتی خویش استفاده کند.

ب! ایده‌ها و رفتارهای غلط سیاست خارجی آذربایجان در قبال ایران:

نوع نگاه مسئولان درجه یک جمهوری آذربایجان به ایران باعث شده است که در این کشور از ایران به عنوان یک رقیب متخاصم^۹ نام برده شود. نمود این مساله در رفتار مقامات آذربایجانی کاملاً مشهود است.

ج! ضعف‌های ساختاری دولت آذربایجان:

بنیادی‌ترین مولفه خصومت‌آمیز بین ایران و آذربایجان، ضعف ساختارهای اساسی نظام جمهوری آذربایجان است. در اینجا به صورت موردی به این ضعف‌ها اشاره می‌کنیم: اول، شکاف فرهنگی بین دولت و مردم، دوم، وجود فساد اداری در سطوح مختلف دولتی در جمهوری آذربایجان.

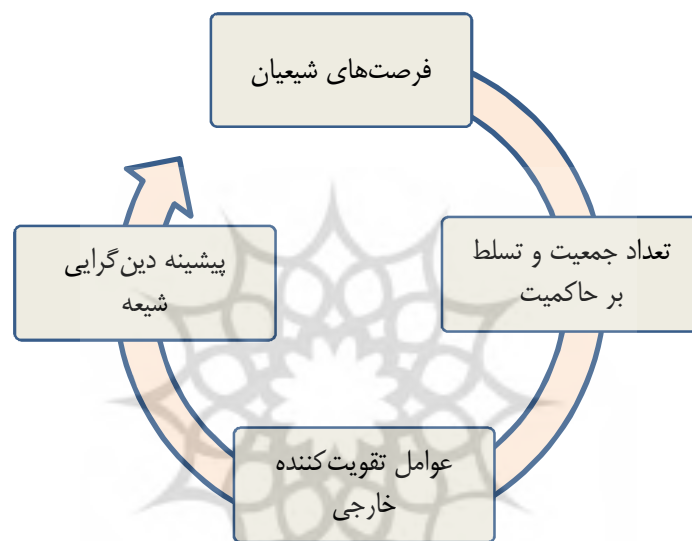
۵- فقدان کارکردهای سیاسی مجرب قوی و ملی

ایجاد ساختارهای خاص برای فعالیتهای دینی در نهاد حکومت، نشان از این دارد که حکومت جمهوری آذربایجان علی رغم پیشینه ضد دینی - با قبول اینکه دولت فعلی در ماهیت خود از میراث اقتدارگرایی دوران شوروی بی بهره نیست - قبل از استقلال و نیز رویکرد سکولار بعد از استقلال، عنصر دین به ویژه اسلام و تشیع را به عنوان واقعیتهای انکارناپذیر و بخش انفکاک ناپذیر از هویت شهروندان خود پذیرفته و به رسمیت شناخته است. با این حال جریانهای اسلام گرا هنوز موفق نشده اند شخصیت هایی با تجربه سیاسی و دارای وزن ملی در خود پرورش دهند. بیشتر پیروان و رهبران جریان اسلام گرای شیعی جایگاه سیاسی مقبولی در جامعه آذربایجان ندارند و همین امر تأثیرات منفی را بر نقش آفرینی این رهبران در صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور به دنبال داشته است.

۶- ناحیه ای و منطقه ای بودن حوزه فعالیت اسلام گراهای شیعی

جغرافیای فعالیت اکثر جریانهای اسلام گرای شیعی در جمهوری آذربایجان، شهرستان نارداران و شهرهای جنوبی هم مرز با ایران است. با توجه به این که در نارداران زیارتگاهی هم وجود دارد، مردم این روستا از دوران شوروی گرایش شدیدی به اسلام گرایی دارند. وضعیت حاکم بر نارداران نمونه بارزی از ناحیه ای و منطقه ای بودن حوزه فعالیت اسلام گراهای شیعی در جمهوری آذربایجان است که این امر پیامدهای خاصی را بر نحوه فعالیت آنها به دنبال داشته است، از یک طرف احزاب سیاسی فعال در این منطقه در شهرستانی کوچک محصور بوده و مناسبات سیاسی و اجتماعی آنها در قالب ادبیات سنتی ظهور و بروز می یابد. از سوی دیگر، این شهرستان از نظر ژئوپولیتیکی به مرکز نزدیک است و کنش سیاسی آنها خیلی زود در پایتخت دیده می شود. ضمن این که پیوندهای خویشاوندی اکثریت اهالی نارداران نیز به مقاومت آنها در حوزه سیاسی کمک می کند.^۱

قابلیت‌ها و فرصت‌های شیعیان و جریان‌های شیعی اسلام‌گرا در جمهوری آذربایجان:
 شیعیان جمهوری آذربایجان در دوره‌های مختلف تاریخی، در برابر جریان‌های
 ضعیف کننده، توانسته‌اند اعتقادات مذهبی خود را تا حدود زیادی حفظ نمایند، این امر
 به نوبه خود می‌تواند در بردارنده برخی از قابلیت‌های تشیع در این کشور باشد که
 فرصت‌هایی را نیز برای ایشان رقم می‌زند:



۱- تعداد جمعیت و تسلط بر حاکمیت:

شیعیان با اختصاص بالاترین سهم از جمعیت به خود و نیز داشتن اکثریت در قوم
 غالب (آذری‌ها)، از حیث توانمندی جمعیتی بالاترین مزیت را در آذربایجان دارند و
 به تبع این، حاکمیت و دولت نیز به طور کامل در دست آذری‌های شیعه مذهب است.^۱
 جمهوری آذربایجان از این حیث موقعیت ویژه‌ای در بین کشورهای شیعه و شرایط به

۱. رضانی بونش فرزاد، گفتگو افشار سلیمانی، سفیر سابق ایران در آذربایجان، مرکز بین المللی مطالعات صلح،
 تیر ۱۳۹۱، همچنین برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به گلی زواره، غلام رضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای
 مرکزی و قفقاز، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۲۴ الی ۳۲.

مراتب بهتری از عراق و لبنان و وضعیتی مشابه جمهوری اسلامی ایران دارد.^۱

۲- عوامل تقویت کننده خارجی:

استقلال جمهوری آذربایجان و تشکیل دولت ملی به دست شیعیان فرصت مناسبی برای پیروان این مذهب بود تا از تنگنای نظام ضد دینی شوروی بیرون آیند و به احیای مذهب خود همت گمارند. این رویداد توسط عوامل خارجی در منطقه قابل تقویت بود که بهترین فرصت در این خصوص وجود کشوری قدرتمند و تاثیرگذار چون جمهوری اسلامی ایران بود که بر پایه ایدئولوژی منشعب از مذهب تشیع اداره می‌گردد.

۳- پیشینه دین‌گرایی شیعه در منطقه:

شیعیان آذربایجان از دیر باز به حفظ شعائر مذهبی و انجام فعالیت‌های دینی اهتمام کرده‌اند. در دوره‌های حاکمیت تزارها و شوروی این تلاش‌ها به شکل مبارزات دینی بروز می‌نمود که اغلب به دلیل ماهیت استبدادی نظام‌های غیر مسلمان حاکم پس از چند سال و با کشتارهای وسیع و برنامه ریزی شده علما و دین داران خاموش می‌شد.^۲

تهدیدها، چالش‌ها و مشکلات شیعیان در جمهوری آذربایجان:

در خصوص تهدیدها، چالش‌ها و مشکلات شیعیان در جمهوری آذربایجان چندین مورد را می‌توان مثال زد که شامل تهدیدها و چالش‌های دینی: مذهبی و تهدیدها و چالش‌های غیر دینی می‌شود، در ادامه برخی از این تهدیدها و چالش‌ها ذکر می‌گردد:

۱- فعالیت‌های نیروی رقیب:

اهل سنت در دستگاه‌های دولتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نیستند و اهرم و ابزار تبلیغاتی قوی مثل رسانه‌های دیداری، نوشتاری و یا الکترونیکی به صورت چشمگیر ندارند. تفکر سنی وارداتی از خارج البته نسبت به بخش داخلی فعالیت بیشتری دارد. ترکیه یکی از موثرترین کشورها در این زمینه محسوب می‌شود. روابط بسیار گسترده و

۱. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین علم الدین لطیف اف، مهرماه ۱۳۹۳.

۲. واحدی الیاس، پیشین، ص ۸۱ الی ۹۰.

ریشه‌دار ترکیه و آذربایجان باعث شده تا اسلام‌گرایان این کشور محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان را برای فعالیت‌های خود مناسب ببینند. در بین کشورهای عرب نیز کویت و عربستان بیشترین فعالیت دینی را در جمهوری آذربایجان دارند. که این فعالیت‌ها را شاید بتوان به نوعی تهدید جدی، ولی محدود برای تفکر شیعی آذربایجان محسوب کرد.^۱

۲- فعالیت فرقه‌های منحرف:

بهائیت و وهابیت دو نمونه بارز فرقه‌های انحرافی در جمهوری آذربایجان هستند. در این میان فرقه بهایی که موقعیت تضعیف شده‌ای در سایر کشورها پیدا کرده است، با دارا بودن دو تشکل ثبت شده و قانونی فعالیت می‌کند، ولی انعکاس چندانی از فعالیت آن در جامعه آذربایجان به چشم نمی‌خورد. فرقه انحرافی وهابیت هم در این کشور در منطقه قفقاز، معمولاً از نواحی داغستان و چچنستان تغذیه می‌شود. البته سرمنشا اصلی این انحراف در عربستان قرار دارد. این فرقه انحرافی بیشتر در بین گروه‌های سنی حاشیه‌ای در آذربایجان نفوذ دارد. هم اکنون اکثریت شیعه آذربایجان به خصوص فعالان شیعی این کشور با چالشی تحت عنوان اقلیت وهابی که طی سالهای گذشته علاوه بر حمایت‌های خارجی، از حمایت خاموش دولت آذربایجان نیز برخوردار بوده، مواجه می‌باشد و اکنون این گروه اقلیت با هدف تغییر ترکیب جمعیتی جمهوری آذربایجان و جلوگیری از رشد جریان اصیل اسلامی در این کشور مسلمان؛ قصد رویارویی با شیعیان را دارند.^۲ پیروان فرقه وهابیت رفته رفته فعالیت خود را در جمهوری آذربایجان گسترش داده و به صورت سازمان یافته و ریشه‌ای کار تبلیغی و شست و شوی مغزها در این کشور رها یافته از کمونیسم را ادامه دادند.^۳ با این حال به

۱. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین عمران رجب اف، شهریورماه ۱۳۹۳.

۲. اولین شهید مبارزه با وهابیت در جمهوری آذربایجان، خبرگزاری آران پرس، *#، (!' ABCD//3)

منتشر شده در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۱۳۹۲

۳. جلیلی مهدی، دلارهای نفتی و هجوم بنیادگرایان به جمهوری آذربایجان، جام جم آنلاین، ۲۷ مهر ۱۳۹۲.

نظر می‌رسد نگاه نهادهای رسمی دولتی در جمهوری آذربایجان نسبت به جریان‌های تندرو وهابیت منفی باشد.^۱

۳- سکولاریسم:

از آنجا که ماهیت نظام سیاسی جمهوری آذربایجان سکولار و بر جدایی دین از سیاست مبتنی است، امیدواری زیادی برای شیعیان وجود ندارد که دولت از تفکر و ایدئولوژی شیعی به منزله اعتقاد اکثریت مردم به طور موثر حمایت کند. ایجاد محدودیت در زمینه استفاده از حجاب در اماکن عمومی نظیر دانشگاه‌های دولتی، ممنوعیت پخش اذان در مساجد و محدودسازی برخی مراسم‌های مذهبی برای شیعیان در سال‌های اخیر از جمله سخت‌گیری‌های دولت در برابر دین‌گرایی شیعی بوده است.^۲

۴- عدم دسترسی عادلانه به نهادهای حکومتی

بر اساس قوانین جاری جمهوری آذربایجان، روحانیون آذری حق کاندیدا شدن در انتخابات مختلف را ندارند. احزاب و تشکل‌های شیعی با انواع محدودیت‌ها مواجه هستند؛ ساختار سیاسی دولت از نهاد ریاست جمهوری گرفته تا کوچک‌ترین واحد دولتی به گونه‌ای است که شیعیان معتقد به آموزه‌های اصیل شیعی، امکان ورود در آن را ندارند، تأسف بار این است که حتی وجود هرگونه نماد دینی در ادارات دولتی این کشور هم ممنوع است. همچنین در همین راستا عدم رعایت قواعد دموکراسی از سوی محافل دولتی، مشکل دیگر شیعیان این کشور است.^۳

۵- وجود گروه نوری‌ها:

گروه نوری‌ها در طی سال‌های گذشته به یکی از با نفوذترین گروه‌های اجتماعی و سیاسی جمهوری آذربایجان تبدیل شده است. نوری‌ها با سوء استفاده از نام اسلام و

۱. بونش فرزاد رضانی، گفتگو با محسن پاک آیین سفیر ایران در جمهوری آذربایجان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح در ۱۵ تیر ۱۳۹۳.

۲. واحدی الیاس، پیشین، ص ۹۳ الی ۱۰۶.

۳. چالش‌ها و فرصت‌های شیعیان جمهوری آذربایجان، پایگاه خبری تحلیلی مشرق، ۳ اسفند ۱۳۹۰.

قوم‌گرایی ترک نفوذ قابل ملاحظه‌ای در جمهوری آذربایجان پیدا کرده و هم اکنون به عنوان شعبه‌ای از اداره دیانت ترکیه به طور رسمی در باکو فعالیت دارند. تعدادی از رسانه‌ها از جمله کانال تلویزیونی و خبرگزار سایبری خزر و روزنامه زمان در اختیار این فرقه است که رسانه‌های نام برده شده مبلغ آیین‌ها خرافه محوری گروه نورچی‌ها می‌باشد.^۱ دانشگاه خزر به عنوان یکی از مراکز عمده آموزش عالی آذربایجان از آموزشگاه‌های اقماری این فرقه می‌باشد. برخی می‌گویند که حتی عنوان اختصاری این دانشگاه که با حروف لاتینی "\$#" مشخص شده است، بر گرفته از حروف اول نام و نام خانوادگی فتح‌اله گولن رهبر فرقه نورچی‌ها در ترکیه می‌باشد. این گروه به ترکیه وابسته هستند، اما در لباس روشنفکران ملی ظاهر می‌شوند و بیشتر فعالیت شان در مراکز دولتی و آموزشی است.^۲

۶- عدم دسترسی به وسایل ارتباط جمعی

مشکل بعدی شیعیان جمهوری آذربایجان، عدم برخورداری آنها از رسانه‌های تصویری است، تأسیس شبکه تلویزیونی با رویکرد شیعی در جمهوری آذربایجان ممنوع است و در مقابل شبکه‌های دولتی و خصوصی فعال، عموماً با خط‌گیری از صهیونیست‌ها در حال تبلیغات ضدایرانی و ضدشیعی هستند که فعالان شیعی را با انواع مشکلات مواجه می‌سازد. البته دیگر فعالیت‌های رسانه‌ای شیعیان در فضای مجازی و... نیز با انواع محدودیت‌ها روبروست.^۳

۷- وجود یهودیان در آذربایجان و ارتباط با رژیم اسرائیل

در آذربایجان، جامعه یهودیان به سه دسته تقسیم می‌شوند: یهودیان کوهستان (سفارادین)، یهودیان اشکنازی و یهودیان گرجستانی؛ که قدیمی‌ترین گروه یهودیان

۱. نگاهی به روند اسلام ستیزی در آذربایجان، پایگاه اطلاع رسانی مقاومت، تاریخ دسترسی به مطلب، ۲۵ آذرماه

۱۳۹۳، آدرس اینترنتی مطلب %!+!/*E'F7*! # 3//ABC

۲. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین عمران رجب اف، شهریورماه ۱۳۹۳.

۳. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین رسول اف، آبان ماه ۱۳۹۳.

کوهستان هستند که طبق ادعای مورخان یهودی، قدمت آنان به ۱۵ قرن پیش می‌رسد. یهودیانی که بیشتر در آذربایجان پراکنده هستند و تحت عنوان یهود پراکنده از آنها یاد می‌شود، از یهودیان کوهستان هستند که سالیان متمادی در کنار سایر ملیت‌های ساکن در آذربایجان زندگی کرده‌اند و با اینکه ارتباط آنان با این اقوام تنگاتنگ بوده، اما زبان، آداب و رسوم و همچنین عادت‌ها و روش زندگی خود را تا حدودی حفظ کرده‌اند. از زمان سقوط شوروی، رژیم غاصب اسرائیل در پی گسترش روابط حسنه با جمهوری‌های سابق شوروی بویژه در آسیای مرکزی و قفقاز بوده است. سیاست استراتژیک این رژیم اشغالگر در منطقه در جهت پیشبرد اهداف و منافع سیاست خارجی افراطی تل آویو تنظیم شده است. یکی از اهداف رژیم غاصب اسرائیل در منطقه ممانعت از گسترش نفوذ ایران در جمهوری‌های شوروی سابق بوده است. در آن زمان برای طراحان سیاست خارجی رژیم غاصب اسرائیل ضرورت داشت که اطمینان یابند جمهوری‌های مسلمان علیه تل آویو متحد نمی‌شوند و به جبهه به اصطلاح مخالفان نمی‌پیوندند. این مسئله بخصوص در مورد جمهوری آذربایجان که به عنوان کشوری که دارای تعداد قابل توجهی شیعه می‌باشد، بسیار جدی است.^۱

جمع بندی و نتیجه گیری:

استقرار نظام سیاسی سکولار در جمهوری آذربایجان، بعد از استقلال از شوروی، موجب شده تا اسلام به ویژه مذهب تشیع با مختصات و ویژگی‌های خاصی در جامعه آذربایجان و متفاوت از کشورهای نظیر ایران و عراق شکل بگیرد. به همین دلیل، علی‌رغم اینکه اکثریت جامعه آذربایجان را مسلمانان و تشیع تشکیل می‌دهد و این کشور دومین کشور شیعی جهان اسلام است، پویش شدید اسلام سیاسی در این کشور و یا تمایل عمومی و ملی به استقرار یک نظام دینی هرگز شکل نگرفته است. هرچند این تلقی که عنصر اسلامی به طور کامل از حیات سیاسی و اجتماعی جامعه آذربایجان

خارج شده است، نیز برداشت صحیحی نیست، چرا که در بستر همین شرایط خاص اجتماعی و دینی، جریانات مختلف اسلامی اعم از شیعی، سنی و وهابی - سلفی طی دو دهه اخیر در جمهوری آذربایجان شکل گرفته است. هرچند ساخت سیاسی سکولار این کشور و رویکردهای دولت آذربایجان، مانع از نقش آفرینی پوشش تعیین کننده احزاب اسلام‌گرا در روند تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور شده است.

تاکنون گزارش‌های بسیاری درباره اسلام ستیزی در کشورهای غربی از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی مطرح شده، اما این بار شاهد نوعی اسلام ستیزی نوین و آن هم در کشوری مسلمان‌نشین نظیر جمهوری آذربایجان هستیم. ممنوعیت حجاب برای دانش آموزان مسلمان، منع برگزاری مناسک مذهبی از جمله در ماه‌های رمضان و محرم، مخالفت با اقامه نماز در پادگان‌ها و ... تلاش‌هایی سازمان یافته از سوی مقامات جمهوری آذربایجان برای مقابله با اسلام به شمار می‌آید. در همین حال، نمی‌توان حمایت‌های کشورهای غربی و رژیم اسرائیل در مبارزه با اسلام در جمهوری آذربایجان را نادیده گرفت و می‌توان آن‌ها را عاملان اصلی اسلام ستیزی نوین در این کشور دانست.^۱ لذا با توجه به اکثریت شیعی در این کشور، احزاب و گروه‌های سیاسی شیعی متعددی در این کشور نظیر حزب اسلامی آذربایجان، حزب دموکراتیک اسلامی و جامعه مسجد جامع (مرکز دفاع از آزادی اعتقادات) شکل گرفته است. شیعیان اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان معتقد هستند که فعالیت‌های سیاسی و اسلام‌گرایانه آنها از انقلاب اسلامی ایران متأثر بوده و با پیروزی انقلاب ایران، آنها نیز با تاسی از بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران تعلیمات دینی و معارف اسلامی را با تحرک خاصی انجام می‌دهند.^۲ با این حال سیاست دولتمردان جمهوری آذربایجان که به ۹دموکراسی قطره‌چکانی^۳ در جمهوری آذربایجان یاد می‌شود. سیاستی که توسط خانواده علی‌اف

۱. رسولی، محمود، اسلام ستیزی نوین در جمهوری آذربایجان، پرس تی وی، ۱۲ بهمن ۱۳۹۲

۲. اسدزاده، محمدرضا، وضعیت فرهنگی و رسانه‌ای مسلمانان در جمهوری آذربایجان، به نقل از شیعه نیوز، ۲۱

اردیبهشت ۱۳۹۰

طراحی شده. این مساله باعث گردیده که موافقان و مخالفانی را نیز در میان فعالان سیاسی در داخل جمهوری آذربایجان پیدا کند. البته جمیع آذری‌ها به داشتن دولتی واحد و امنیت و ثبات داخلی اعتقاد داشته و این مساله را بر بسیاری از اختلافات میان هود اولویت می‌دهند.

ظهور ناگهانی داعش در عراق و تشنج‌هایی که در موصل و سایر شهرهای آن کشور ایجاد کرد، نگرانی بسیاری را در میان رهبران شیعه آذربایجان نیز ایجاد نمود. چرا که مسئله عراق برای آنان از جهات مختلفی بسیار مهمتر از سوریه است. در واقع، عراق در بسیاری از جهات شباهت قابل توجهی به آذربایجان دارد. از نظر مذهبی، شیعیان آذربایجان و شیعیان عراق بسیار شباهت دارند، در حالی که تفاوت قابل توجهی بین شیعیان آذربایجان و علویان سوریه که شاخه‌ای از شیعه به شمار می‌روند وجود دارد. شیعیان آذربایجان و عراق در حجم قابل توجهی از آیت الله العظمی سیستانی به عنوان یک رهبر روحانی مشترک تبعیت می‌کنند. این مرجع تقلید که در عراق به عنوان رهبر اصلی شیعیان شناخته می‌شود، در آذربایجان نیز تعداد قابل ملاحظه‌ای پیرو دارد. علاوه بر این، بسیاری از اماکن مقدس و مورد احترام شیعیان سراسر جهان، از جمله شیعیان آذربایجان، در عراق قرار دارد. با در نظر گرفتن چنین وضعیتی هر نوع بحران در عراق، دارای پتانسیل بیشتری برای جذب شیعیان آذربایجان است. به طوری که بنابه اظهار رسانه‌ها تعدادی از شیعیان آذربایجان فراخوان آیت الله سیستانی به مبارزه با شورشیان داعش را لیبیک گفته و به عراق رفتند.^۱

در همین راستا همسایگی ایران با این کشور نیز می‌تواند به تقویت ثبات در جمهوری آذربایجان و نیز تاثیرگذاری بر فعالیتهای برخی گروه‌های شیعی در این کشور کمک‌های شایانی نماید. علیرغم حمایت‌های استراتژیکی که ایران از جمهوری آذربایجان نظیر اتصال ارتباط زمینی نخجوان با جمهوری آذربایجان دارد، باکو خصوصا

در سالهای اخیر رویکرد اتحاد با رژیم صهیونیستی را اتخاذ کرده و اقداماتی نظیر همکاری با رژیم صهیونیستی، آزار و اذیت ایرانیان، پیشبرد سیاست پان آذریستی، وضع غیررسمی تحریم‌هایی فراتر از تحریم‌های آمریکا علیه ایران و ایجاد مامن برای گروهک و رسانه‌های قومگرای ضدایرانی را انجام داده است. از آنجا که جمهوری آذربایجان هویت خود را در انکار فرهنگ مشترک خود با ایران تعریف کرده است، همواره تلاش دارد در اذهان مردم خود ایران را به عنوان دشمن معرفی کند، از اینرو امروز در رسانه‌های رسمی و غیررسمی، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی جمهوری آذربایجان، ایران به عنوان حامی و منجی ارمنستان کشوری که بیست درصد خاک آذربایجان را اشغال کرده است، معرفی می‌شود،^۱ در ادامه باید بیان داشت که از آنجا که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تاثیر پذیرترین کشور خارجی در زمینه قوم‌گرایی آذری با مرکزیت جمهوری آذربایجان قلمداد کرد، دو گزینه را برای رویکرد ایران نسبت به آذربایجان در نظر گرفت:

ایران در مشترکات با جمهوری آذربایجان به یکسانی مذهبی در کنار همسانی زبانی و فرهنگی آذری‌های ایران و جمهوری آذربایجان توجه نماید و از این شاخص‌ها در نزدیکی بیشتر با باکو بهره گیرد. در این زمینه لازم است هویت زبانی- فرهنگی آذری‌های ایران تقویت گردد؛ چراکه برای جذب آذری‌های آن سوی ارس و نیز پیشگیری از اثر گذاری فرهنگ ناسازگار آنها بر شهروندان این طرف باید بنیان‌های قومی آذری‌های ایران را تقویت کرد. در این میان نشر فرهنگ و هویت شیعی ایرانی می‌تواند خط اصلی و اساس راهبرد ایران باشد.^۲

همچنین باید بیان داشت که موضوع مهمی که در این راستا مدت‌ها از نظر دستگاه دیپلماسی و محافل علمی، فرهنگی و رسانه‌ای ایران اسلامی مغفول مانده بود، لزوم

۱. اولی نسب احمد، خبرگزاری آران پرس، *#، ! (%&&7' 3//ABCD منتشر شده در تاریخ سه شنبه ۱۵

بهمن ۱۳۹۲.

۲. همان، ص ۱۱۰.

حمایت و پشتیبانی از جریان اسلامی جمهوری آذربایجان است که البته اخیراً به دنبال تشدید اقدام‌های دین‌ستیزانه و نیز ضدایرانی در جمهوری آذربایجان و به‌ویژه پس از علنی شدن تلاش رژیم صهیونیستی به منظور استفاده از جمهوری آذربایجان به منظور اعمال سیاست‌های ضدایرانی مورد توجه قرار گرفته است. نقش صهیونیست‌ها در تداوم سیاست‌های ضددینی دولت باکو زمانی بیشتر آشکار می‌گردد که بدانیم این رژیم در اجرای طرح خاورمیانه‌ی جدید و نیز استراتژی اتحاد پیرامونی جدید خود، توجه وافر به جمهوری آذربایجان داشته و سیاست‌های ضداسلامی دولت جمهوری آذربایجان پس از سفر سال ۸۸، «شیمون پرز» به باکو تشدید شده و در ملاقات اخیر الهام علی‌اف و شیمون پرز که در حاشیه‌ی اجلاس جهانی اقتصاد (درسال ۲۰۱۳ میلادی) برگزار شد، رئیس‌جمهوری رژیم صهیونیستی به صورت ویژه از سیاست‌های آقای الهام علی‌اف تقدیر نمود. بیان نکاتی پیرامون حمایت معنوی ایران از جریان اسلامی جمهوری آذربایجان ضروری به نظر می‌رسد

۱- با توجه به اشتراک‌های عمیق تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران و جمهوری آذربایجان در ضرورت عقلی، دینی و قانونی حمایت معنوی از جریان اسلامی جمهوری آذربایجان هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد.

۲- با توجه به ساختار امنیتی موجود در جمهوری آذربایجان و حساسیت کاذبی که در خصوص حزب اسلامی ایجاد شده است، حمایت معنوی ایران بایستی از کلیت جریان اسلامی آذربایجان و نه صرف حزب اسلامی باشد.

۳- به نظر می‌رسد بیش از هر موضوعی بایستی دستگاه دیپلماسی کشور با کنار گذاشتن برخی محدودرات خود ساخته که در عمل نیز هیچ کمکی به منافع ملی کشور نمی‌نمایند با تأکید و احترام بر استقلال و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، در قبال سیاست‌های ضداسلامی و ضدایرانی دولت این کشور که تحت تأثیر صهیونیست‌ها صورت می‌گیرد موضع‌گیری نموده و به صورت شفاف حمایت خود از خواست مردم جمهوری آذربایجان مبنی بر احترام به ارزش‌های اسلامی و پایان یافتن سیاست‌های ضددینی را اعلام نماید.

۴- محافل علمی کشور به ویژه دانشگاه‌های شمال غرب کشور بایستی با ایجاد و

گسترش روابط علمی و فرهنگی خود با دانشگاه‌های باکو زمینه‌های لازم برای تبادل استاد و دانشجو را فراهم آورند،

۵- نخبگان فرهنگی و اجتماعی ایران اسلامی می‌توانند با سفرهای انفرادی به جمهوری آذربایجان و شناخت واقعی مردم این کشور در تعمیق اندیشه‌های اسلامی در بین اقشار مختلف مردم این کشور مفید واقع شوند.

۶- فعالان اقتصادی و تجاری ایران به ویژه مناطق شمال غرب کشور بایستی در امر سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در جمهوری آذربایجان و ایجاد اشتغال برای جوانانی که به دلیل گرایش‌های دینی و نیز تحصیل در حوزه‌های علمیه، امکان ورود به بازار کار از آنان سلب شده است، ضمن انجام فعالیت اقتصادی، در زمینه‌ی حل مشکلات معیشتی اسلام‌گرایان نیز اقدام نمایند. ضمن اینکه این اقدام در دراز مدت به افزایش سطح روابط تجاری دو کشور کمک خواهد نمود. بدیهی است دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران، می‌بایست مقدمات این مهم را فراهم آورند.

۷- فعالان رسانه‌ای ایران اسلامی، بنا به ضرورت‌های پیش گفته بایستی اخبار جمهوری آذربایجان را در صدر اخبار منطقه‌ای و بین‌المللی خود قرار دهند.

۸- فعالان حقوقی ایران اسلامی بایستی در راستای دفاع از حقوق شیعیان جمهوری آذربایجان اقدام نموده و از راه طرح موضوع در محاکم بین‌المللی نسبت به نقض حقوق بشر در کشور جمهوری آذربایجان اعتراض نمایند.

۹- سیستم درمانی و بهداشتی کشور بایستی با توجه به مراجعت قابل توجه اتباع آذری به مناطق شمال غرب کشور جهت دریافت خدمات درمانی، برنامه‌ریزی مناسبی صورت گرفته و ضمن ارائه‌ی خدمات درمانی با کیفیت در خصوص رعایت کرامت انسانی و اسلامی آنان نیز اقدام‌های بیشتری انجام دهد.

۱۰- وجود بارگاه امام رضا (علیه‌السلام) در مشهد مقدس که آذری‌ها علاقه به زیارت آن دارند فرصت مغتنمی برای مراجع ذی‌ربط محسوب می‌گردد تا نسبت به عمق بخشی آموزه‌های دینی زائران آذری اقدام نمایند.^۱

۱. خدادوست احسان، جریان اسلامی آذربایجان، آتش زیر خاکستر، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان، ۲۵ خرداد ۱۳۹۱.

منابع:

۱. امیر احمدیان، بهرام، جمهوری آذربایجان، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲.
۲. امیر احمدیان، بهرام، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۳. اسدزاده، محمدرضا، وضعیت فرهنگی و رسانه‌ای مسلمانان در جمهوری آذربایجان، به نقل از شیعه نیوز، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰
۴. اولی نسب احمد، خبرگزاری آران پرس، *#، (!) 3//ABCC0%&&7 منتشر شده در تاریخ سه شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۲
۵. اولین شهید مبارزه با وهابیت در جمهوری آذربایجان، خبرگزاری آران پرس؛ 3//ABCC0%&&7 منتشر شده در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۱۳۹۲ *#، (!) 3//ABCC0%&&7
۶. افندی، تاریخ آذربایجان، ترجمه نصرله اسحق بیات، تبریز انتشارات ارک، ۱۳۶۰.
۷. اشرافی مرتضی، تعامل و یا سلطه روسیه بر تاریخ سیاسی جمهوری آذربایجان، پایگاه سیاسی اجتماعی کریمه اهل بیت (س)، به ادرس اینترنتی: *#، (!) 73! D %*#
۸. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین علم الدین لطیف اف)، مهرماه ۱۳۹۳
۹. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین عبدالقادر سلیم اف شهریورماه ۱۳۹۳
۱۰. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین عمران رجب اف، شهریورماه ۱۳۹۳
۱۱. اشرافی مرتضی، گفتگو با حجت السلام والمسلمین رسول اف، آبان ماه ۱۳۹۳
۱۲. بیات کاوه، آذربایجان در موج خیز تاریخ، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۹.
۱۳. بی نا، جمهوری آذربایجان: اسلام مستقل و دولت، گزارش موسسه بحران بین المللی، ۲۵ مارس ۲۰۰۸.
۱۴. برزویی مجتبی، سیاست نابودی اقلیت‌ها در جمهوری آذربایجان، پایگاه اینترنتی روزنامه ابتکار، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۳
۱۵. برآورد پویایی محیط سیاسی جنبش اسلامی آذربایجان، سایت خبری تحلیلی حقایق قفقاز، منتشر شده در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۹۳ به آدرس اینترنتی: 3//ABCC0E;! %C0'
۱۶. بهراد عبدالواحد، قره باغ در چشم انداز تاریخ، تبریز، انتشارات ارک، ۱۳۷۲
۱۷. جباری ولی، با همکاری محمود تقی زاده داوری، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم: موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۹.
۱۸. جعفریان رسول، اطلس شیعه، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی، چاپ دوم ۱۳۸۸.
۱۹. جلیلی مهدی، دلارهای نفتی و هجوم بنیادگرایان به جمهوری آذربایجان، جام جم آنلاین، ۲۷ مهر ۱۳۹۲.

۲۰. جمهوری آذربایجان، تهران، وزارت کشور، دفتر مطالعات سیاسی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۲۱. چالش‌ها و فرصت‌های شیعیان جمهوری آذربایجان، پایگاه خبری تحلیلی مشرق، ۳ اسفند ۱۳۹۰.
۲۲. خدادوست احسان، جریان اسلامی آذربایجان، آتش زیر خاکستر، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان، ۲۵ خرداد ۱۳۹۱. (G#%B' & #CC0\$0/#%2C&)
۲۳. خبرگزاری آران، سال سوم، شماره ۶؛ تحولات اجتماعی- فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی، ۱۳۹۰.
۲۴. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹.
۲۵. رضایی محمد، تاریخ تشیع در آذربایجان، قم، موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۵.
۲۶. رسول زاده محمد امین، جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن، ترجمه تقی سلام زاده، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۰.
۲۷. رسولی، محمود، اسلام ستیزی نوین در جمهوری آذربایجان، پرس تی وی، ۱۲ بهمن ۱۳۹۲
۲۸. رضایی بونش فرزاد، گفتگو افشار سلیمانی، سفیر سابق ایران در آذربایجان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تیر ۱۳۹۱
۲۹. رضایی بونش فرزاد، گفتگو با جوانشیر آخوندوف سفیر آذربایجان در ایران، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، آذرماه ۱۳۹۱
۳۰. رضایی بونش فرزاد، گفتگو با محسن پاک آیین سفیر ایران در جمهوری آذربایجان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح در ۱۵ تیر ۱۳۹۳
۳۱. روشن اوغلو کنعان، فضا سازی شیعه سنی در خاورمیانه و بازتاب آن در جمهوری آذربایجان، موسسه کارنگی روسیه، به نقل از مسعود صدرمحمدی، تبریز بیدار، تیرماه ۱۳۹۳.
۳۲. سویتو خوفسکی تادیوش، آذربایجان روسیه، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر شادگان، ۱۳۸۱.
۳۳. شهیدی ارسباران عبدالحسین، خاطرات حاج علی اکرام، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۴. عزاداری شیعیان آذربایجان در محرم، خبرگزاری آران، * # (!, #) 3//ABCC0%&&7
۳۵. عباس اف علی، هارویتون چاخاتریان، مناقشه قره باغ، آرمان‌ها و واقعیت‌ها، ترجمه موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۳۶. عبدالواحد بهراد، قره باغ در چشم انداز تاریخ، تبریز، انتشارات ارک، ۱۳۷۲.
۳۷. عزاداری شیعیان آذربایجان در محرم، خبرگزاری آران، * # (!, #) 3//ABCC0%&&7
۳۸. کیهان فر، عباس، نگاهی به جمهوری مسلمان نشین آذربایجان، تهران، مجله مشکات، زمستان

- ۱۳۷۲، شماره ۴۱ .
۳۹. کوزه گر کالجی ولی، اسلام و جریان‌های اسلامی در جمهوری آذربایجان، تهران: خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳.
۴۰. گلی زواره، غلام رضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی و قفقاز، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۴۱. ملا زاده حمید، جمهوری آذربایجان، نگاه به آینده، تبریز: انتشارات ارک، ۱۳۷۳ .
۴۲. مناف اوغلی موسوی تیمور، چهل سند فارسی از جمهوری آذربایجان، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶.
۴۳. نگاهی به روند اسلام ستیزی در آذربایجان، پایگاه اطلاع رسانی مقاومت، تاریخ دسترسی به مطلب، ۲۵ آذرماه ۱۳۹۳، آدرس اینترنتی مطلب: [http://www.abcc.ir/!#E F7* *#](#)
۴۴. واحدی الیاس، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶.
۴۵. ولی‌اف فائق، علمای آذربایجان، قم، انتشارات اهل بیت (علیهم‌السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی